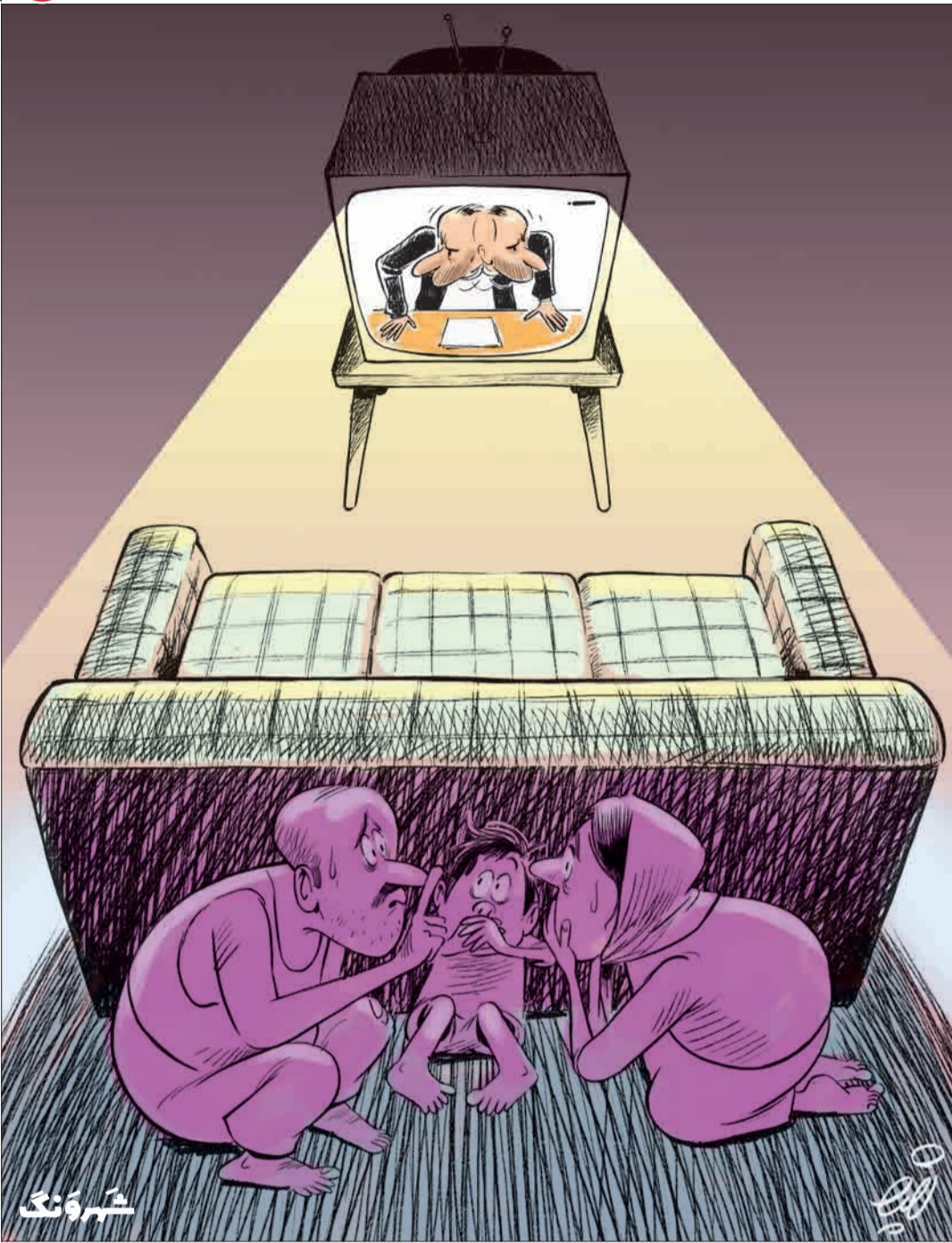




ناعم تدین | کارنویس | naemator@gmail.com

تماشاخانه



شهروند

جام ملت‌ها از نگاه دانشمند ایرانی!

چین جون داریم میایم! اشیاب نبوی! جام ملت‌های آسیا در حالی ادامه دارد که دو گل به عمان زدیم و پنج شش تا هم نزدیکیم. فی الواقع دو قلوب‌های تیم ملی که آن شاه‌الله تا آخر عمر همین جوری با هم داداش بمانند، در خراب کردن توپ با یکدیگر رقابت شدیدی داشتند. از آن طرف، چون ما کلا عادت نداریم که بازی بدون استرس و راحتی انجام بدهیم، همان دقیقه اول بازی رکورد را شکستیم و یک پنالتی به عمانی‌ها دادیم؛ که خوشبختانه بیرانوند نگذاشت رکورد سریع‌ترین گل خورده در جام هم به نام ما ثبت شود. در مورد این صحنه بین اکثر کارشناسان بحث و درگیری و حتی کنک کاری پیش آمده است. عده‌ای که سخن‌شان به حقیقت نزدیک‌تر است، می‌گویند: «ایا خوشبختانه اون لحظه تلویزیون در حال سانسور نبود و ما خودمون دیدیم که

سردار به بیرانوند بادستش اشاره کرد که طرف پنالتی رو کدوم طرف می‌زنه.» اما عده‌ای دیگر به همراه شخص علیرضا بیرانوند اعتقاد دارند که آخه کدوم آدمی به حرف سردار آزمون گوش می‌کنه که ایشون بخواد این کار رو بکنه؟ اتفاقا اگر بیرانوند حرکت دست آزمون را می‌دید، صدرصد به طرف جهت مخالفش شیرجه می‌رفت. از آن طرف هم تماشاگران ایرانی یک مرتبه دیگر پدر و مادر تشویق ایستندی را جلوی چشمش آوردند و دایم به این روش تیم را حمایت کردند. کارشناسان معتقدند دلیل این همه تشویق به این سبک راحت بودن آن است که باعث می‌شود ایرانی‌ها که کلا دچار راحتی مزمن هستند از این نوع تشویق خوش‌شان نباشد. در فضای مجازی هم فعلا همه دارند قربان صدقه کی‌روش می‌روند. فکر کنم وقتش رسیده که یک مصاحبه کند و دوباره همه چیز را به هم بریزد.

شهر زیبا

سلطان بلیت جشنواره تحت تعقیب قرار گرفت

صندلی جلو سینما» هم تحت تعقیب قرار گرفته‌اند.

خبر دیگر این که صداوسیما، ۴۰۰ نفر را برای پوشش خبری جشنواره فجر و دریافت کارت ورود به سالن رسانه‌ها به دبیرخانه معرفی کرده است. واقعا چه خبر است دوستان؟ شما که آخرسر یک تصویر اکستریم لانگ‌شات از مراسم اختتامیه نشان مان می‌دهید که در همان موقع اهدای جایزه بهترین بازیگر زن، صداوسیما کلا حرکت آهسته صحنه‌های قبلی می‌شود. این همه آدم به چه کارتان می‌آید؟

حالا که صحبت صداوسیما شد، این را هم خدمت‌تان عرض کنم که معاون سازمان صداوسیما گفته: «بیشتر از ۸۰ درصد مردم بیش از ۲۰ دقیقه از وقت خود را صرف تماشای تلویزیون می‌کنند.»

البته من خبر ندارم که جناب معاون این خبر را از کجا آورده ولی به عنوان کسی که وقت زیادی را صرف شبکه عوض کردن می‌کنم، خدمت‌تان عرض کنم که بیشتر علاقه من به تبلیغ

حسام حیدری
طنزنویس

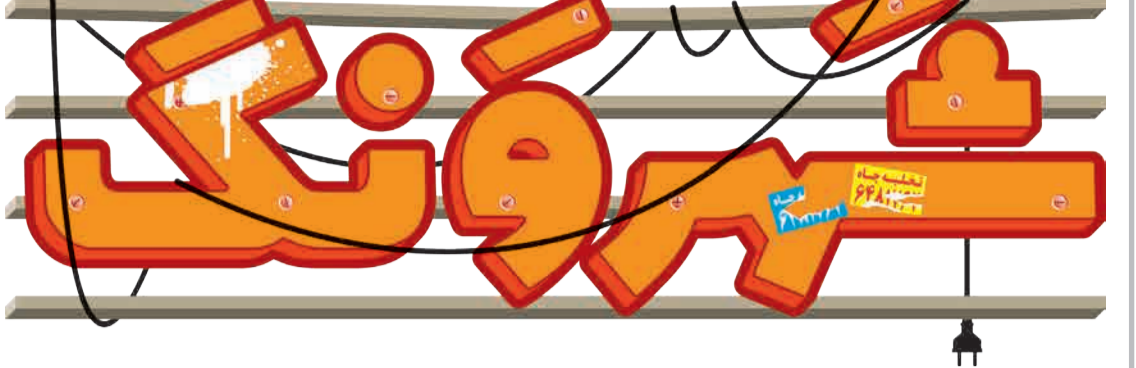
خب تا جشنواره فیلم فجر زمان کمی باقی مانده و در همین رابطه، دوستان دلال‌مان که در تمام عرصه‌ها حضور فعال و مستمری دارند، این بار با خرید، احتکار و فروش گران‌تر بلیت‌های جشنواره، برگی دیگر بر دفتر افتخارات خود افزودند. درحالی خریدوفروش بلیت‌های جشنواره در بازار سیاه و اپلیکیشن‌های خرید با آگهی‌های: «چهارتا مهدویان می‌دم دو تا طنز می‌گیرم» و «اونایی که فقط خریدارن پیام بدن» ادامه دارد که برخی از افرادی که با این روش بلیت جشنواره را خریداری کرده‌اند، از بوی رب گوجه‌ای که بلیت‌ها گرفته، خبر داده‌اند که این نشان می‌دهد محتکران عزیز هر چیزی که دست‌شان می‌رسد را تو انبار جمع می‌کنند و کاری به این ندارند که رب گوجه‌فرنگی است یا بلیت جشنواره. درهمین رابطه خبر می‌رسد که «سلطان بلیت جشنواره» و «سلطان

شهروند

پیر را گفتم: به ما شد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راهکار؟

توی دنیای پراز اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهروند»

صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره هفتصد و نهم



۶۰ درصد حقوق کارگران برای اجاره خانه می‌رود

کارگر: حقوق

چی هست حالا؟!!

۴۰ درصد باقیمانده: منم پوشک بچه‌اش می‌شم
 علی پروین: ۲۰۰ درصد بذار بد روی این صدر صد حله
 یک مسئول: حالا فعلا هوا سرده، همون کرایه خونه رو بدید یخ نکنید
 #حقوق_ناچیز_#با_کارگران_مهربان_باشیم_#شهروند

چین

گر چه افتاده است چینه بر جین مشکلات هست چون دیوار چین پای تی وی باش فعلا، بی خیال! بازی ایران و تیم چین بین!

ارمغان زمان فشمی! #شهروند

کوچه اول

با چه کسانی نباید ازدواج کنند | امیر مسعود فلاح | تو اینستاگرام ویدیویی دیدم با عنوان این که «چه کسانی نباید ازدواج کنند». بنده می‌خواهم یک «با» به اول جمله اضافه کنم و بگویم با چه کسانی نباید ازدواج کنند. عارضه که پسرها باید حواسشان باشد که با دخترهایی که پدرشان صاحب حداقل ۲ خانه نیست، ازدواج نکنند. دلیلش این است که اگر پدر زن صاحب‌خانه نباشد، خطر آوار شدنش در خانه داماد هست و اگر یک خانه داشته باشد، به داماد بیچاره لقب داماد سرخانه می‌دهند و این اصلا زیانیست. دخترها هم باید حواسشان باشد که با پسرهای جذاب پولدار ازدواج نکنند و فقط به غیر جذاب‌های پولدار بله بگویند و نگران نباشند چون همه مشکلات زیربنایی (مثل اخلاقی و شخصیت) و رونیایی (مثل تیپ و قیافه) با پول حل می‌شود. هم دخترها و هم پسرها باید بشدت مراقب باشند که از ازدواج با افراد بی‌پول، هر چند زیبا و جذاب، تحصیلکرده و باسواد، فاضل و فرزانه، با اصل و نسب، محترم و متشخص و... به جد پرهیز کنند؛ حتی شوخی‌اش هم فشنگ نیست.

شهر فرنگ

اردشیر رستمی | کارنویس

منبع: کتاب «دیگ دودزده»

شهروند

شبگردی

بنزین خشخاشی
 شهرام شهیدی
 طنزنویس
 Shahraam_shahidi@yahoo.com

مادرم بشقاب‌ها را گذاشت روی میز ناهار خوری و گفت: باز تو خونه بنزین نیست؟ هیچ کدومتان بلند نشدید بروید سر کوچه دو لیتر بنزین خشخاشی بگیرید یا خانم باجی گفت: دختر جان حالا می‌خواهی سیاه‌نمایی کنی و بگویی پسر من زندگی خوبی برایت فراهم نکرده؟ فکر می‌کنی با خرید بنزین و خودسوزی کسی برایت تره خرد خواهد کرد؟ گذشت دوران این لوس بازی‌ها. مادرم گفت: خانم باجی خودسوزی دیگه چه صیغه‌ای است؟ وزیر نفت گفته «بنزین مثل نان شب است» من دیدم این تبتل‌ها دو کوچه آن طرف‌تر نمی‌روند نان بگیرند، بلکه یک تک پا تا سر کوچه بروند بنزین بخرند شب گرسنه سر بر بالش نگذاریم. برادرم گفت: همان یک دوره‌ای که نفت آوردند سر سفره‌مان برای هفت پشتمان بس است. من حاضر نیستم بخشی از این ماجرا باشم. بعدش هم نفت قرار بود سر سفره بیاید نه بنزین. پدرم گفت: احتمالاً بنزین همان نفت پالم‌دار است. یا نفت همون تیزه شده. یا... مادرم گفت به جای این درافشانی‌ها پاشو برو نان بگیر بیاور. پدرم گفت: می‌دانی چرا ما به نان اهمیت نمی‌دهیم؟ چون صنعت نان درست راه نیفتاده. خانم باجی پرسید: یعنی نان باید چه بشود که راه بیفتد؟ پدرم جواب داد: نان باید گران شود. تا گران نشود صنعت نان، به قول آن هندی در دایی جسان ناپلئون، پهوت افسرده است!

همه ما با هم گفتیم: عجب! پدرم گفت: تعجب کردن ندارد. مگر نشنیده‌اید که وزیر صنعت در پاسخ به این سوال که آیا با افزایش قیمت، مشکلات صنعت خودرو حل شده است یا خیر گفته «شما ناراحتید که خودروسازی راه افتاده؟» پس می‌بینید که گرانی هر محصول باعث راه افتادن آن محصول می‌شود.

برادرم گفت: پس یعنی این که پسر من دیروز راه افتاده و تاتی تاتی می‌رود یعنی یک کالایی در ایران گران شده؟ مثلاً پوشک گران شده یا کفش بچه؟ عمه جان گفت: اول این که تو چرا هر چیزی را با آن تحفه‌ها می‌سنجی؟ دوم، مگر در ایران روزانه یک کالا گران می‌شود؟ اگر بین راه رفتن بچه و گرانی رابطه‌ای باشد، آن رابطه شامل تمام کالاها می‌شود.

دختر خاله‌ام گفت: حرف از پوشک بچه و گرانی‌اش زدید یاد تغییر مدیرعامل سایبا افتادم. مادرم گفت: ارتباط تغییر مدیرعامل سایبا با پوشک بچه چیست؟ دختر خاله‌ام جواب داد: با پوشک بچه هیچی. اما با گرانی چسرا. چون به محض تغییر مدیرعامل، پراید چند میلیون تومان گران شد. پدرم گفت: چه تغییر هنرمندانه‌ای!

عمو گفت: اما رئیس کل اسبق بانک مرکزی گفته این که کیفیت خودروی تولید داخل بالا نرود و در عین حال مرزها هم بسته شود تا مردم ناچار به خرید خودرو داخلی شوند، هنر نیست!

من گفتم: اصلا در این مملکت هنر ارج و قرب ندارد. قیمت که هیچ. برای همین اصلا هر چیزی که گران شود حتما هنرمندانه‌ست!

صدای روح آقا بزرگ از داخل کمد شنیده شد: یکی سیم این پسر را از پرز برق بکشد. باز حرف‌هایی زد که هیچ کس معنی آن را نمی‌فهمد.